

— حمید عطایی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

نگرشی بر نگارش های کلامی (۷)

أعلام الطرائق
ابن شهر آشوب،
کتابی نفیس در اصطلاح
نامه نگاری اسلامی

۱۱۷-۱۳۰

نگرشی بر نگارش های کلامی (۷)
أعلام الطرائق ابن شهرآشوب، کتابی نفیس در اصطلاح نامه نگاری اسلامی
حمید عطایی نظری

چکیده: أعلام الطرائق فی الحدود والحقائق از جمله آثار پیراج بن شهرآشوب سروری مازندرانی است که در باب تعریف و توضیح اصطلاحات علوم مختلف، از جمله علم کلام، به نگارش درآمده است. در این نوشتار به وجوه گونه‌گون اهمیت این کتاب و به ویژه جنبه‌های کلامی آن پرداخته شده است. بررسی این اثر نشان می‌دهد که أعلام الطرائق هم به لحاظ گستردگی و تنوع اصطلاحات موضوعات و علوم مختلف و هم از حیث شمار اصطلاحات شرح شده در هر موضوع و هم از جهت میزان توضیحات ارائه شده برای هر واژه، در بین آثار مشابه موجود در این زمینه کم نظیر است. وسعت و غنای مطالب مطرح شده در این کتاب نیز حکایت از سعه اطلاعاتی و دامنه مطالعاتی ابن شهرآشوب دارد. أعلام الطرائق یک اصطلاح نامه صرف نیست؛ بلکه دائرة المعارفی است پرنکته و مأخذی غنی از مطالب ناب و کمیاب. این کتاب همچنین منبعی ارزشمند برای آشنایی با دیدگاه‌ها و آراء ابن شهرآشوب در زمینه مسائل طبیعی و کلامی به شمار می‌آید.

کلیدواژه: ابن شهرآشوب، أعلام الطرائق فی الحدود والحقائق، اصطلاح نامه نگاری، حدود و تعریفات، اصطلاحات کلامی.

Having a Look at the Theological Writings (7)

A'lām at-Tarāeq by Ibn Shahrāshoob, a Remarkable Book in Islamic Terminology

By: Hamid Atā'ie Nazari

Abstract: A'lām at-Tarāeq fi al-Hodood wa al-Haqāeq is one of Bin Shahrāshoob Saravi Māzandarāni's precious works which has been written in order to introduce and explains the terms of different sciences including Kalām (Islamic scholastic theology). In this paper, the importance of this book, especially its theological aspects, has been discussed in various ways. Reviewing this work shows that it can be considered as a unique work among the similar works available due to the scope and variety of terms in various subjects and sciences which are studied, the large number of terms used in each subject, and also because of the extent of the explanation provided for each word. The breadth and richness of the material presented in this book also reveals the extent of the information and study of Ibn Shahrāshoob. . A'lām at-Tarāeq is not a mere thesaurus; it is an encyclopedic encyclopedia and a rich source of rare information. This book is also a valuable source for getting familiar with Ibn Shahrāshoob's views on natural and theological issues.

Key words: Ibn Shahrāshoob, A'lām at-Tarāeq fi al-Hodood wa al-Haqāeq, thesaurus, limits and explanations, Theological terms.

تأملات في المدونات الكلامية (۷)

أعلام الطرائق لابن شهرآشوب، کتاب قیم في معاجم المصطلحات الإسلامية
حمید عطایی نظری

یندرج کتاب أعلام الطرائق فی الحدود والحقائق ضمن الآثار المهمة لابن شهرآشوب السروي المازندراني، ألفه في باب تعريف وتوضیح المصطلحات في العلوم المختلفة، ومنها علم الكلام.

وهذا المقال مخصّص لبيان الجوانب المختلفة لأهمية هذا الكتاب، خصوصاً من الناحية الكلامية.

وتشير مطالعة هذا الكتاب إلى امتيازه بالشمول والتنوع في مصطلحات المواضيع والعلوم المختلفة، إضافة إلى كثرة عدد المصطلحات الواردة في كل موضوع من مواضيعه، مع عمق وتفصيل التوضيحات المذكورة لكل مصطلح من المصطلحات، الأمر الذي يمنح هذا الكتاب فرادته وندرة نظيره بين الآثار المشابهة الموجودة. وهذا الاتساع والغنى في المطالب الواردة في هذا الكتاب إنما يشير إلى حجم معلومات ابن شهرآشوب وتنوع مطالعاته.

ولا يمثل أعلام الطرائق مجرد معجم للمصطلحات بل هو أقرب إلى أن يكون دائرة للمعارف غنية بالمعلومات والنكات الأصلية النادرة، كما يوقر مصدراً قيماً للاطلاع على آراء ابن شهرآشوب في المسائل الطبيعية والكلامية.

المفردات الأساسية: ابن شهرآشوب، أعلام الطرائق في الحدود والحقائق، تدوين معاجم المصطلحات، الحدود والتعريفات، المصطلحات الكلامية.

اعلام الطرائق ابن شهر آشوب، کتابی نفیس در اصطلاح نامه نگاری اسلامی

تقدیم به دوست دانشورم سید
علی طباطبایی، به پاس کوشش
بی دریغش در احیای این اثر
ارزشمند از میراث ارجمند امامیه.

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب سروری مازندرانی (۴۸۹ - ۵۸۸ ق)، ملقب به «ابوجعفر ثانی» و «رشید الدین و عزالدین»، بی گمان از برجسته ترین دانشوران امامی سده ششم هجری قمری به شمار می آید. شخصیت علمی وی ابعاد چندگانه ای دارد؛ به نحوی که در منابع مختلف، از او با عنوان مُحدِّث و مفسر و ادیبی دانا و متکلمی توانا یاد کرده اند. شمار مشایخ و استادانی که وی موفق به درک محضر آنها شده یا از ایشان به نقل روایت پرداخته به بیش از هفتاد نفر از عالمان سنی و شیعی بالغ است که از میان آنها باید به بزرگانی چون محمد بن حسن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق)، ابوعلی فضل بن حسن ظبیری (م ۵۴۸ ق)، ابوالفتح رازی (م پس از ۵۵۲ ق)، سید فضل الله راوندی (زنده در ۵۷۰ ق)، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق)، جازا الله زَمَخْشَری (م ۵۳۸ ق) و احمد عَزَّالِی (م ۵۲۰ ق) اشاره کرد. از بین شاگردان و راویان حدیث او نیز نام نامورانی همچون ابن بطریق جلی (م ۶۰۰ ق)، ابن ادریس جلی (م ۵۹۸ ق) و ابن ابی طی حلبی (م ۶۳۰ ق) شایان ذکرند. ابن شهر آشوب نخستین سال های حیاتش را در مازندران سپری کرد و پس از آن به مناطق مختلف سفر کرد. او بیشتر زندگانی خود را در بغداد و حله و موصل و حلب گذراند و سرانجام در حلب درگذشت. از آثار مهم و ارزشمند وی می توان اشاره کرد به:

مَنَاقِبُ آلِ ابی طالب.

مَعَالِمُ الْعُلَمَاءِ.

مُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ وَ مَخْتَلَفِهِ.

مَثَالِبُ التَّوَائِبِ.

أَعْلَامُ الطَّرَائِقِ فِي الْحُدُودِ وَ الْحَقَائِقِ.

درباره احوال و آثار ابن شهر آشوب تک نگاشت های سودمندی نوشته شده است که رجوع به آنها برای شناخت بیشتر و دقیق تری لازم و کافی است.^۱ در این نوشتار درصدد سخن گفتن از یکی از آثار گران سنگ و تا حدودی ناشناخته ابن شهر آشوب، یعنی اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، برآمده ایم که به رغم نفاست و منحصر به فرد بودن آن در زمینه و زمانی که به نگارش درآمده است، تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است. این کتاب که اثری ارزشمند در حوزه «حدود» و «تعاریف اصطلاحات»، یا به تعبیر امروزی: «اصطلاح نامه نگاری موضوعات و علوم اسلامی» به حساب می آید تا پیش از این منتشر نشده

۱. برای نمونه، نخست باید به کتاب فاضل گرامی آقای سید محمد طباطبائی بیدی اشاره کنم که چندی پیش به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت ابن شهر آشوب اثری درباره زندگانی و آثار او به نگارش درآوردند. نگرید به: ابن شهر آشوب المازندرانی، حیات و آثار العلمیة، انتشارات ندای نیایش (وابسته به شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)، تهران، ۱۳۹۳ ش. کتاب دیگر در این زمینه عبارت است از: ابن شهر آشوب المازندرانی و مکانته العلمیة، جواد کاظم البیضانی، مؤسسه الصفاء للمطبوعات بیروت و دارالکتاب العربی بغداد، ۱۴۳۲ ق.

بزرگداشت ابن شهر آشوب، برای بار نخست، به همت و تحقیق پژوهنده فاضل، آقای سیدعلی طباطبائی یزدی، فرزند شادروان علامه سید عبدالعزیز طباطبائی، به طبع رسید^۴ و اکنون می توان درباره آن آگاهی های افزون تری ارائه کرد. انتشار این اثر به طور حتم بشارتی شوق انگیز برای عموم تراث پژوهان و خاصه محققان کلام اسلامی به شمار می آید.

ابن شهر آشوب در معالم العلماء، در فهرست آثار خود به اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق اشاره کرده است.^۵ افزون بر این، در پایان نسخه این کتاب نیز ترقیمه خود ابن شهر آشوب دیده می شود. از این رو تردیدی در نسبت این اثر به وی وجود ندارد. ابن شهر آشوب تألیف این کتاب را - بنا به تصریح خودش در انجامة آن - در تاریخ رجب سال ۵۷۰ هجری قمری، یعنی درست در همان سالی که متشابه القرآن و مختلفه را نیز به سرانجام رسانده،^۶ به پایان برده است. بر این اساس باید این اثر را در زمره آثار نگاشته شده در اواخر عمر او (۵۸۸ ق) بدانیم. ابن شهر آشوب در اعلام الطرائق به برخی از دیگر کتاب های خودش نظیر: الحاوی للفتاوی،^۷ مناقب آل ابی طالب،^۸ المثالب (مثالب النواصب)^۹ و المخزون المکنون^{۱۰} - که کتابی ادبی و بلاغی بوده و گویا اکنون جز آثار مفقود اوست - اشاره و ارجاع نموده است. از همین اشارات و ارجاعات نیز می توان دریافت که وی اعلام الطرائق را پس از نگارش کتاب های یاد شده تألیف کرده است.

از اعلام الطرائق تاکنون تنها دو نسخه خطی شناخته شده است که خوشبختانه مصحح محترم در تصحیح آن، از هر دو استفاده کرده است:

الف) یکی از این دو نسخه، دست نوشته ای است که در کتابخانه ایبئی (اینه بیگ) بوسا ضمن مجموعه حسین چلبی با شماره ۱۱۴۸ در ترکیه نگهداری می شود و تاریخ کتابت آن به زمانی نزدیک به حیات ابن شهر آشوب بازمی گردد. ظاهراً مرحوم علامه

۴. محمّد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی السروی، اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، ج ۲، تحقیق سیدعلی طباطبائی یزدی، انتشارات ندای نیایش (وابسته به شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)، تهران، ۱۳۹۳ ش.

۵. محمّد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی، معالم العلماء، تحقیق: السید محمّد رضا الحسینی الجلالی، دار المخطّعة البیضاء بیروت / مکتبه دار علوم القرآن کربلاء، ۱۴۳۳ ق، ص ۲۵۸.

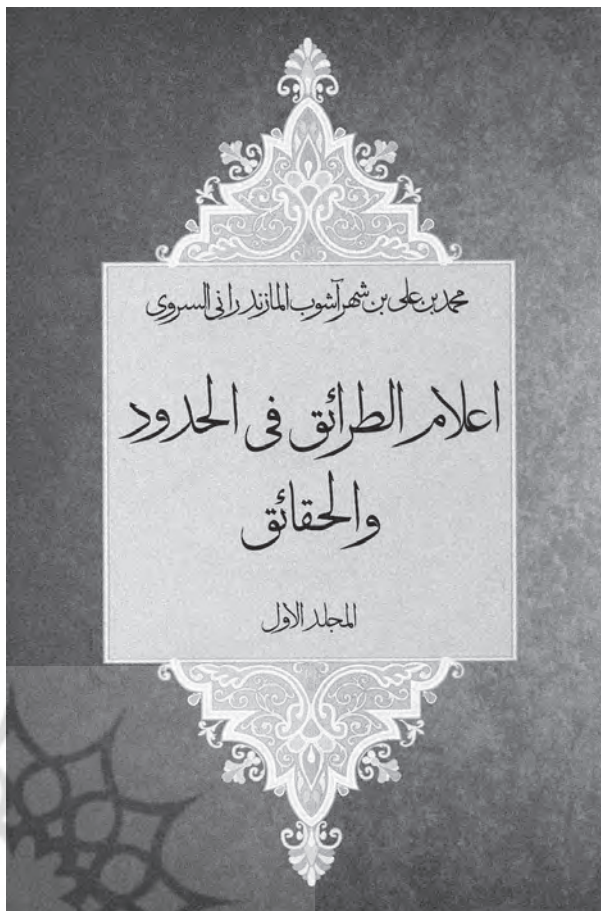
۶. نک: محمّد بن علی بن شهر آشوب المازندرانی السروی، متشابه القرآن و مختلفه، تحقیق: سید محمّد طباطبائی یزدی، انتشارات ندای نیایش (وابسته به شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)، تهران، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۳۴۷.

۷. اعلام الطرائق، ج ۱، ص ۱۶۶.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ج ۲، ص ۱۱.

۹. همان، ج ۲، ص ۴۹.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۱۸۲، ص ۱۹۸.



بود و مهجوری آن به اندازه ای بود که حتی برخی از محققان، آن را در زمره نگاشته های مفقود ابن شهر آشوب برشمرده اند.^۲ عالمان شیعی هم در ادوار پیشین ظاهراً به این دلیل که نسخ محدودی بر جامانده از اعلام الطرائق به مناطق سنی نشین منتقل شده بوده و در دسترس آنها قرار نداشته است، گویا آگاهی چندانی از این اثر نداشته و در بهره مندی از آن کامیاب نبوده اند. نخستین بار مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی نسخه ای از اعلام الطرائق را در ترکیه شناسایی کردند و عکسی از آن را به ایران آوردند. این عکس در اختیار مرحوم دانش پژوه قرار گرفت تا آن را تصحیح و منتشر سازد، ولی مع الأسف هیچگاه توفیق انجام این مهم را نیافت. پس از آن، آقای دکتر حسن انصاری در نوشتاری کوتاه به معرفی این اثر پرداختند،^۳ اما از آنجا که این کتاب به زیور طبع آراسته نشده بود، اطلاعات چندان قابل توجهی هم از آن در اختیار قرار نگرفت. خوشبختانه این اثر از جمند چندی قبل به مناسبت برگزاری کنگره

۲. برای نمونه آقای دکتر احمد پاکتچی در مدخل «ابن شهر آشوب» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۲، اعلام الطرائق را جزء آن دسته از تألیفات وی که باقی نمانده، یاد کرده است. جواد کاظم البیضانی نیز در کتاب ابن شهر آشوب المازندرانی و مکانته العلمیة، ص ۹۵ این اثر را البته با نام غلط «الطریق فی الحدود و الحقائق» از آثار مفقود ابن شهر آشوب برشمرده است.

۳. انصاری قمی، حسن، «اعلام الطرائق کتابی تازه یاب از ابن شهر آشوب»، نشر دانش، سال هجدهم، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۴، ص ۲۹-۳۰.

سيّد عبدالعزیز طباطبائی - که اول بار این نسخه را شناسایی کردند - بر این اساس که از سویی دست نوشت یاد شده فاقد امضای کاتب است و از سوی دیگر این دست نوشت، نسخه ای کهن است که می تواند متعلق به عصر خود ابن شهر آشوب باشد، معتقد بودند که احتمالاً نسخه مورد گفت و گو به خط و کتابت خود ابن شهر آشوب است. اما برخلاف این نظر، از آنجا که در این دست نوشت اغلاط متعددی راه یافته است و خط کتابت نسخه نیز در چندین موضع دگرگون گردیده، گمان نمی رود که کاتب این نسخه شخص ابن شهر آشوب بوده باشد.^{۱۱} با این وصف، این احتمال نیز قابل طرح است که دست نوشت حاضر به املاي او و کتابت چند کاتب مختلف باشد. متأسفانه این نسخه، از آغاز و میانه چند برگی افتادگی دارد و ظاهراً فاقد چهار باب نخست این اثر است. در کنارهای این دست نوشت حواشی بسیاری دیده می شود که نویسنده آن به نظر باید عالمی نکته سنج و فاضل بوده باشد. با توجه به اینکه رسم الخط و همچنین عبارات دعایی حاشیه نگار متفاوت با کاتب متن نسخه است، می توان نتیجه گرفت که صاحب حاشیه، شخصی غیر از کاتب متن و برخلاف او، عالمی شیعی بوده است.^{۱۲}

ب) نسخه دوم، دست نوشتی است که در کتابخانه جامع الأزهر قاهره با شماره ۲۳۰۸۵ [۱۲۷۸] نگهداری می شود. خوشبختانه این نسخه، با وجود از بین رفتن برخی از کلمات بر اثر رطوبت و پوسیدگی، نقایص مشهود در نسخه بوسا را ندارد، بلکه آنها را بر طرف می سازد. برخلاف نسخه بوسا، نویسنده دست نوشت قاهره، عالم شیعی فاضلی بوده است و لذا اغلاط بسیاری که در نسخه ترکیه مشاهده می شود، در این دست نوشت به چشم نمی خورد. علاوه بر این، حرکت گذاری ها و شکل و اعراب کلمات و همچنین بلاغات متعددی که در حواشی نسخه دیده می شود، حکایت از اتقان و صحت بیشتر این نسخه نسبت به مخطوطه بوسا دارد. ظاهراً این نسخه، نسخه اصل و مادر برای دست نوشت بوسا بوده است. با این حال، دو نسخه یاد شده در برخی مواضع اختلافاتی با یکدیگر دارند که احتمالاً در اثر افزوده شدن پاره ای عبارات به هر دو نسخه پس از کتابت آنها بوده است. گفتنی است که در اطراف این نسخه نیز حواشی متعددی درج شده است که در مواردی عین همان حواشی مندرج در نسخه ترکیه است و در مواردی دیگر تا حدودی متفاوت با آن. پاره ای از حواشی نیز

وجود دارد که مختص به هر یک از آن دو نسخه است و اصلاً در دست نوشت دیگر مکتوب نیست. حاشیه نگار این حواشی - چنان که گذشت - عالم شیعی محقق بوده است که شاید خود نویسنده متن، یعنی ابن شهر آشوب باشد. این احتمال نیز می رود که حواشی موجود، نه به خامه وی، بلکه املاء او بوده باشد. مؤید این فرضیه که صاحب این حواشی شخص ابن شهر آشوب است، عباراتی مثل «نعنی بقولنا کذا» بجای «یعنی بقوله کذا» در میان حواشی است که نشان می دهد حاشیه نگار احتمالاً همان مصنف بوده است.^{۱۳} خوشبختانه مصحح کار دان این اثر - برخلاف عادت برخی از مصححان سهل انگار که به حواشی نسخ هیچ توجهی ندارند و آنها را اموری زائد می انگارند که می توان در فرایند تصحیح، آنها را حذف یا گزینش کرد - با کمال دقت، حواشی موجود در هر دو نسخه را در ذیل متن درج کرده و امکان استفاده از آنها را برای خواننده فراهم آورده است؛ فجزاه الله خیراً کثیراً.

همچنین مصحح کتاب، با توجه به اینکه در نسخه قاهره حذف و اضافات و تصحیحات بسیار و نیز الصاق برگه هایی خرد و کلان به نسخه در مواضع مختلف صورت گرفته است، این احتمال را مطرح کرده است که مخطوط قاهره در همان حین تألیف کتاب، کتابت شده باشد.^{۱۴} متأسفانه راقم این سطور هم اکنون این نسخه را در اختیار ندارد تا در خصوص مسئله یاد شده تحقیق بیشتری نماید ولی به طور معمول، انجام «حذف و اضافات و تصحیحات بسیار و نیز الصاق برگه هایی خرد و کلان به نسخه در مواضع مختلف» در دست نویس های اصل که به خط نویسنده کتابت می شده است، اتفاق می افتاده است.

در خصوص ویژگی های دیگر دو نسخه یاد شده نکات افزون تری نیز قابل ذکر به نظر می رسد که البته فراتر از مقاصد این نوشتار است و باید با دقت و تفصیل بیشتر در مقالی دیگری گرفته شود. آنچه اکنون مایلم بدان پردازم تبیین وجوه چندگانه و چندگونه اهمیت کتاب اعلام الطرائق و بیان ضرورت رجوع محققان علوم اسلامی، خاصه کلام پژوهان، به این اثر پراج در پژوهش های مختلف اسلام شناسانه است.

می دانیم که از قرون گذشته تا به امروز و همزمان با شکل گیری علوم مختلف، همواره اصطلاح نامه هایی به منظور شرح معانی اصطلاحات استعمال شده در علوم، نوشته می شده است. به نظر

۱۱. سیّدعلی طباطبائی یزدی، مقدمه اعلام الطرائق، ج ۱، ص الزای.

۱۲. همان، ص الزای.

۱۳. همان، ص الصاد.

۱۴. نگرید؛ همان، ص الصاد.

نویسندگان این گونه آثار، از آنجا که در هر علمی، مُصطلحاتی هست که معنا و مفهومی خاص دارد و کاربرد آنها در آن علم، برحسب همان معنا و مفهوم ویژه آنها در همان علم است، شخصی که درصدد مطالعه و تحقیق در دانشی خاص برمی آید، نخست باید با اصطلاحات آن رشته و معانی مُصطلح واژگان در میان اهل آن علم آشنا گردد تا پس از آن بتواند مقصود نویسندگان متون آن قلمرو معرفتی را دریابد. ابو عبد الله خوارزمی (م ۳۸۷ ق)، صاحب مفاتیح العلوم، در آغاز این کتاب گران بها، انگیزه اش را از نگارش چنین اثری، تألیف کتابی که کلید تمام دانش ها باشد و مشکلات صناعات های پیشین را حل کند و تعاریف و اصطلاحات هر گروه از دانشمندان را که فرهنگ های لغت موجود، فاقد همه یا بیشتر آنها است، در برداشته باشد معرفی کرده است. به عقیده او «حتی اگر ادیب سخندان ورزیده ای بخواهد به یکی از کتاب هایی که در ابواب علوم و حکمت نوشته شده رجوع کند، بدون آشنایی با آن دانش و فن، از مطالب آن چیزی نخواهد فهمید و هنگام مراجعه به آنها مانند مردم بی سواد خواهد بود».^{۱۵} خوارزمی سپس برای نمونه به اصطلاح «رجعت / رجعة» اشاره کرده، می گوید:

«این کلمه در نزد لغویان به معنی یکبار رجوع کردن است و به اعتقاد آنان معنی دیگری از آن فهمیده نمی شود؛ ولی همین کلمه در نزد فقیهان در «طلاق رجعی» معنی از سر گرفتن زناشویی می دهد. «رجعة» در نزد متکلمان - و به عقیده بعضی از شیعیان - رجوع یا بازگشت امام است پس از فوت یا غیبت و در نزد کاتبان دیوان حساب، گزارشی است که وکیل خرج برای خوراک یک نوبت سپاه تسلیم می کند و در نزد منجمان، حرکت ستارگان است از خمسه متحیره در جهتی که مخالف با ترتیب و نظم برج هاست».^{۱۶}

شیخ طوسی هم که خود، نویسنده یکی از اصطلاح نامه های مهم در زمینه علم کلام به نام المقدمه فی المدخل الی علم الکلام است، در مقدمه اثرش خاطرنشان کرده که متکلمان برای اصطلاحات رایجی که در آثار خود استعمال می کنند، تعاریف، وضع ها و معانی خاصی در میان خود دارند که گاه موافق و به مقتضای لغت نیست؛ از این رو، کسی که بدون آشنایی با این تعاریف و معانی در متون کلامی نظر کند، بهره ای از آنها نمی برد؛ اما اگر نخست از مراد و منظور متکلمان از آن الفاظ آگاهی یابد و پس از آن، به مطالعه کلام آنها بپردازد، آنگاه سخن ایشان را به درستی درمی یابد و به مراد و مقصود خویش نائل می شود.^{۱۷} ابن شهر آشوب هم در پایان اعلام الطرائق یادآور شده است که هر کس می خواهد به نگارش در زمینه یکی از علوم دست یازد، باید الفاظ و اصطلاحات آن علم را مطابق با معانی مورد اتفاق میان اهل آن علم به کار برد و از معانی وضع شده از سوی آنان عدول ننماید.^{۱۸} بنابراین کسی که قصد پرداختن به علمی را دارد، اعم از خواننده یا نویسنده، در وهله نخست لازم است با اصطلاحات خاص آن علم و معانی ویژه آنها آشنا شود. از همین جا ضرورت تدوین اصطلاح نامه ها و رجوع به آنها روشن می گردد.

اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، آن گونه که از نامش هویدا است، کتابی است در باب حدود و تعاریف اصطلاحات علوم. این کتاب، اثری بس ارزشمند در اصطلاح نامه نگاری اسلامی است که نویسنده در

اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، آن گونه که از نامش هویدا است، کتابی است در باب حدود و تعاریف اصطلاحات علوم. این کتاب، اثری بس ارزشمند در اصطلاح نامه نگاری اسلامی است که نویسنده در آن به شرح و تعریف شمار زیادی از اصطلاحات مربوط به موضوعات و علوم مختلف از جمله علم کلام پرداخته است.

۱۵. نگرید: خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف، مفاتیح العلوم، حقه و قدم له: ابراهیم الأیاری، دارالکتاب العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق، صص ۱۴، ۱۳. ترجمه عبارات خوارزمی، با اندکی اصلاحات و تغییرات، برگرفته است از: ترجمه مفاتیح العلوم، مترجم: سیدحسین خدیوجم، چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۳، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ص ۴.

۱۶. همان ها.

۱۷. «سألتم إیذکم الله إیلاء مقدمة تشتمل علی ذکر الألفاظ المتداولة بین المتکلمین و بیان أغراضهم منها، فإن لهم مواضع مخصوصة لیست علی موجب اللغة و من نظری کلامهم ولا یعرف مواضعهم، لم یحظ نظائر من ذلك و إذا وقف علی مرادهم، ثم نظری بعد ذلك فی ألفاظهم، حصلت بغیته و تفت منیته». (طوسی، محمد بن حسن، المقدمه فی الکلام، چاپ شده با شرح المقدمه فی الکلام، تحقیق و تقدیم: حسن انصاری، زاینه اشمنیکه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۲ش، ص ۳).

۱۸. «یحی علی المصنف الشارع فی فی من العلوم أن یستعمل ألفاظ أهله و لا یعدل عن معانیهم». (ابن شهر آشوب، اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، ج ۲، ص ۲۲۰).



آن به شرح و تعریف شمار زیادی از اصطلاحات مربوط به موضوعات و علوم مختلف از جمله علم کلام پرداخته است. پیش از این شهر آشوب و هم پس از او، اصطلاح نامه هایی در تعریف و شرح اصطلاحات کلامی تدوین و تألیف شده است که از باب نمونه می توان اشاره کرده به: المقدمة فی المدخل إلى علم الکلام / المقدمة فی الکلام املاء شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق)،^{۱۹} کتاب الحدود [الحدود و الحقائق فی شرح الألفاظ المصطلحة بین المتکلمین من الإمامیة] تألیف قاضی اشرف الدین صاعد بریدی آبی (از دانشمندان قرن ششم هجری)،^{۲۰} الحدود املاء قطب الدین مقرئ نیشابوری (از دانشمندان شیعی سده ششم هجری)،^{۲۱} کتاب الحدود فی الأصول (الحدود و المؤاصعات) نوشته ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی اشعری (م ۴۰۶ ق)،^{۲۲} الحدود الکلامیة و الفقهیة علی رأی أهل السنة الأشعریة نگاشته ابوبکر محمد بن سابق الصقلی (م ۴۹۳ ق)،^{۲۳} کتاب المبین فی شرح معانی ألفاظ الحكماء و المتکلمین از سیف الدین آمیدی (م ۶۳۱ ق)،^{۲۴} و الحدود الأتیقة و التعریفات الدقیقة

۱۹. چاپ شده در ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی» در مجموعه «الذکری الألفیة للشیخ الطوسی»، ج ۲، به تصحیح محمّد تقی دانش پژوه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی و همچنین تجدید چاپ آن در: الرسائل العشر، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ویراست تازه ای از این اثر را بنگرید در: طوسی، محمد بن حسن، المقدمة فی الکلام، چاپ شده با شرح المقدمة فی الکلام، تحقیق و تقدیم: حسن انصاری، زاینه اشمنیکه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش.
۲۰. این رساله بار نخست با تصحیح مرحوم محمّد تقی دانش پژوه در ضمن «چهار فرهنگنامه کلامی» در مجموعه «الذکری الألفیة للشیخ الطوسی»، ج ۲، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۰ شمسی، صص ۲۱۹-۲۳۳، چاپ شد که البته با برخی اغلاط همراه بود؛ ولی بار دیگر به صورت محقق و به تحقیق حسین علی محفوظ در مطبعة المعارف بغداد، ۱۹۷۰ م به طبع رسید که بعدها مطبعة الاسلام قم آن را اقیست نمود.
۲۱. منتشر شده به تحقیق دکتر محمود بزدری مطلق (فاضل)، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. چاپ دارالغرب الإسلامی، به تحقیق محمّد السلیمانی، ۱۹۹۹ م.
۲۳. چاپ شده به تحقیق دکتر محمّد الظنترانی، دارالغرب الإسلامی، تونس، ۲۰۰۸ م.
۲۴. منتشر شده به تحقیق: حسن محمود الشافعی، مکتبه وهبة، قاهره، ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳ م، طبع دوم. ویراست دیگری از این اثر را بنگرید در: المصطلح الفلسفی عند العرب، تحقیق: عبدالأمیر الأعسم، چاپ دوم، قاهره، الهيئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۹ م، صص ۳۰۳-۳۰۸.

پرداخته و در ذیل آن اصطلاحاتی همچون «عرش»، «کرسی»، «عالم»، «البيت المعمور»، «المزلفة»، «سقیفة بنی ساعدة»، «الصومعة»، «الزاوية» و... را تعریف نموده است. او البته در همین باب، پاره‌ای از اصطلاحات را نیز که شاید چندان ربط مستقیمی به مقوله «مکان» نداشته باشد، مطرح کرده و توضیح داده است؛ اصطلاحاتی همچون: «درهم» و «دانق» و «مقال» که هریک، واحدی برای سنجش اند و نه اسمی از جنس مکان.

ابوابی که در اعلام الطرائق آمده است عبارت است از: باب الأزمنة، باب الأمکنة، باب أنواع الأعراض، باب الأکوان، باب الاعتماد، باب التالیف، باب الأصوات، باب الآلام، باب الاعتقاد، باب العلم، باب النظر، باب الظن، باب الإزادة، باب التکلیف، باب الحیاة، باب القدرة، باب الشهوة والترفار، باب الألوان والطعوم والأرایح، باب الحرارة والبرودة والرطوبة واليبوسة، باب الفناء والاعادة، باب الفعل، باب الأسماء والصفات، باب الصفات، باب التَّبَوَات، باب الشرعیات، باب الخلافیات، باب النحو والتصریف، باب الكتابة، باب البلاغة والفصاحة، باب العرُوض والقوافی والشعر، باب الطب والنجوم والحساب، باب الموجبات.

چنان‌که ملاحظه شد، موضوعات و علوم گوناگونی که ابن شهر آشوب در این اثر به تعریف و توصیف اصطلاحاتشان پرداخته است دامنه وسیعی دارد و موضوعاتی چون: «زمان» و «مکان» و «تَبَوَات» و «شرعیات» و علومی همچون: صرف و نحو و بلاغت، کلام، ریاضیات، طبیعیات، تاریخ، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، طب و هیئت (نجوم) را شامل می‌شود. در واقع، اعلام الطرائق هم به لحاظ گستردگی و تنوع اصطلاحات موضوعات و علوم مختلف و هم از حیث شمار اصطلاحات شرح شده در هر موضوع و هم از جهت میزان توضیحات ارائه شده برای هر واژه، در بین آثار مشابه موجود در این زمینه کم نظیر و شاید هم بی نظیر است. دیگر اصطلاح نامه‌هایی که در حوزه شرح و تعریف واژگان علوم در قرون میانی اسلامی می‌شناسیم، اغلب یا تنوع و گوناگونی اصطلاحات موجود در اعلام الطرائق را ندارد، یا از جهت تعداد اصطلاحات تعریف شده به مرتبه آن نمی‌رسد، یا مقدار توضیحاتی که برای هر واژه ارائه کرده‌اند به میزان توضیحات بیان شده در اعلام الطرائق نیست. وسعت و عمق و غنای مطالب مطرح شده در این کتاب، نشانی بارز از سعه اطلاعاتی و دامنه مطالعاتی ابن شهر آشوب است. در حقیقت دسترسی و احاطه ابن شهر آشوب به متون علوم گوناگون از آثار مختلف او، خاصه مناقب آل ابی طالب و متشابه القرآن و همین اعلام الطرائق، به خوبی پیداست. اساساً یکی از

چنان‌که ملاحظه شد، موضوعات و علوم گوناگونی که ابن شهر آشوب در این اثر به تعریف و توصیف اصطلاحاتشان پرداخته است دامنه وسیعی دارد و موضوعاتی چون: «زمان» و «مکان» و «تَبَوَات» و «شرعیات» و علومی همچون: صرف و نحو و بلاغت، کلام، ریاضیات، طبیعیات، تاریخ، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، طب و هیئت (نجوم) را شامل می‌شود.

تألیف قاضی شیخ زکریا بن محمد انصاری (م ۹۲۶ق).^{۲۵}

از آنجا که به خواست خداوند در نوشتاری مستقل به معرفی اصطلاح نامه‌های یاد شده و همچنین سایر آثار منتشر شده در این زمینه خواهیم پرداخت، در مقاله حاضر از معاجم پیش گفته سخن نگفته، تنها به بحث از ویژگی‌های ساختاری و محتوایی اعلام الطرائق بسنده می‌کنیم.

از حیث ساختار، اعلام الطرائق مشتمل بر سی و سه باب است که هر باب از چندین فصل تشکیل شده است و در هر فصل، تعدادی از مهم‌ترین مصطلحات رایج و فنی در موضوعات و علوم مختلف توضیح داده شده است. طبقه بندی اصطلاحات در این کتاب نه مثل کتاب الحدود [الحدود والحدود والحقائق فی شرح الألفاظ المصطلحة بین المتکلمین من الإمامیة] قاضی اشرف الدین صاعد بریدی آبی و التعریفات میر سید شریف جرجانی بر حسب حروف الفبا و به اصطلاح، ترتیب ابجدی است و نه همچون مفاتیح العلوم خوارزمی بر اساس طبقه بندی علوم مختلف؛ بلکه ابن شهر آشوب اصطلاحات فنی را به نحو «موضوعی» دسته بندی کرده و در هر باب، اصطلاحات مربوط به یک موضوع را بر شمرده و تعریف کرده است. از این حیث به نظر می‌رسد که ساختار و نحوه تبویب اعلام الطرائق تا حدودی شبیه به رساله «المقدمة فی المدخل إلى علم الکلام / المقدمة فی الکلام» از شیخ طوسی و «الحدود» قطب الدین مقرئ نیشابوری باشد. برای نمونه، ابن شهر آشوب در باب «امکنه» به تعریف اصطلاحات مربوط به موضوع «مکان»

۲۵. نگرید: الحدود الأیفة و التعریفات الدقیقة، تحقیق: دکتر مازن المبارک، دارالفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۱ق.

ويژگي هاي برجسته ابن شهر آشوب آشنائي گسترده او با منابع ديرينه و گونه گون شيعه و سني و آگاهي از تراث اسلامي اعم از کلام، تفسير، حديث، فقه، رجال، تاريخ، ادبيات و علوم وابسته به اينها است. ارجاعات و نيز منقولاتي که او از منابع مختلف در جاي جاي آثار خود آورده است - البته بر فرض آنکه به نحو مستقيم و بدون واسطه و رونويسي از منابع ديگر باشد - شاعدي نيك بر فراواني و تنوع آثاري است که اين دانشمند والامقام شيعي در اختيار داشته و به مطالعه گرفته است؛^{۲۶} آثاري که از برخي از آنها امروزه جز نامي و منقولاتي خرد هيچ باقي نمانده است و دست نوشتني از آنها در ميراث کهن بازمانده نمي توان سراغ گرفت. به همين جهت است که يکي از ويژگي هاي ممتاز و شايان توجه آثار ابن شهر آشوب از جمله اعلام الطرائق، اشتغال آنها بر مطالب و نصوصي است که در منابع ديگر در دسترس ما وجود ندارد و در حال حاضر يگانه مأخذ ما در شناخت چنان مطالب و منقولاتي، همان نگاهشته هاي ابن شهر آشوب است.

از ديگر ويژگي هاي مهم کتاب اعلام الطرائق آن است که ابن شهر آشوب در مقام تعريف اصطلاحات، تنها به ذکر يک تعريف بسنده نکرده، بلکه اغلب کوشيده است تا تعاريف مختلفی را که از آن اصطلاح بيان شده است، بازگو کند. در نتيجه، خواننده مي تواند با رجوع به اين کتاب از حدود و تعاريف گوناگوني که براي يک اصطلاح عرضه شده است، آگاهي يابد. اين، درست برخلاف شيوه بسياري از اصطلاح نامه هاي ديگر است که به طور معمول صرفاً تعريف مختار خود از واژگان را بيان کرده اند و چندان به تعاريف و اقوال ديگر نپرداخته اند. براي نمونه، ابن شهر آشوب در اعلام الطرائق در تعريف اصطلاح «عقل» به هشت تعريف اشاره کرده است،^{۲۷}

۲۶. براي آگاهي از کتابخانه و منابع در دسترس ابن شهر آشوب نگرید به: صابري، حسين، درآمد بر کتابخانه ابن شهر آشوب، بنياد پژوهش هاي اسلامي استان قدس رضوي، مشهد، ۱۳۹۳ ش. اين اثر البته کامل و دقيق نيست؛ زيرا نويسنده محترم دو کتاب مهم ابن شهر آشوب يعني مثال النواصب و اعلام الطرائق را اصلاً برسي نکرده است. هر دو کتاب هم اکنون منتشر شده و بايد منابع آنها نيز شناسايي و تخریب شود. در اين خصوص همچنين نگاه کنيد به دو يادداشت زير از آقاي دکتر حسن انصاري منتشر شده در سايت اينترنتي کاتبان:

۱. «کتابخانه ابن شهر آشوب» به نشانی <http://ansari.kateban.com/post/1197>

۲. «ملل ونحل ابن شهر آشوب» به نشانی: <http://ansari.kateban.com/post/1849>

۲۷. «[۱] العقل مجموع علوم اذا اجتمعت سُميت عقلاً؛ [۲] وقيل: عبارة عن علوم مخصوصة اذا كملت للإنسان سُمي عقلاً؛ [۳] وقيل: هو اسم لعلوم اذا حصلت للإنسان صح تكليفه؛ [۴] وقيل: هو العلم الضروري بحسن بعض الأفعال وقبح بعضها؛ [۵] وقيل: هو العلوم الضرورية التي لا يحسن بدون كمالها التكليف؛ [۶] وقيل: علوم مخصوصة اذا حصلت في الواحد وجبت عليه المعرفة وتوجه إليه التكليف؛ [۷] وقيل: مجموع علوم بها يتمكّن من الاستدلال بالشاهد على الغائب؛ [۸] وقيل: العلم بحسن الخسّن و قبح القبيح، سُمي بذلك لأن العلم بقبح القبيح يمنع العالم به من الإقدام عليه، ولهذا الاشتقاق امتنعوا من إجراء هذه اللفظة على الله تعالى». (اعلام الطرائق، ج ۱، ص ۱۴۱).

در واقع، اعلام الطرائق هم به لحاظ گستردگي و تنوع اصطلاحات موضوعات و علوم مختلف و هم از حيث شمار اصطلاحات شرح شده در هر موضوع و هم از جهت ميزان توضيحات ارائه شده براي هر واژه، در بين آثار مشابه موجود در اين زمينه کم نظير و شايد هم بي نظير است.

در حالي که در المقدمة في الکلام شيخ طوسي^{۲۸} و کتاب الحدود قاضي صاعد بریدی^{۲۹} و الحدود قطب الدين مقرئ نيشابوری^{۳۰} و الحدود في الأصول ابن فورک اصفهانی^{۳۱} و الحدود الکلامية و الفقهيّة على رأي أهل السنة الأشعرية از ابوبکر محمد بن سابق الصّقلی^{۳۲} تنها به بيان يک تعريف از «عقل» اکتفا شده است.

به همين نحو، ابن شهر آشوب در تعريف اصطلاح «عصمت» هشت تعريف را ذکر کرده است؛^{۳۳} حال آنکه قطب الدين مقرئ نيشابوری در الحدود^{۳۴} و قاضي صاعد بریدی در کتاب الحدود^{۳۵} و ابن فورک اشعري در الحدود في الأصول^{۳۶} و ابوبکر محمد بن سابق

۲۸. «العقل عبارة عن مجموع علوم اذا اجتمعت سميت عقلاً». (طوسي، محمد بن حسن، المقدمة في الکلام، چاپ شده با شرح المقدمة في الکلام، تحقيق و تقديم: حسن انصاري، زابينه اشميته، تهران، ميراث مکتوب، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۲).

۲۹. «العقل عبارة عن مجموع علوم ضرورية اذا خلفها الله تعالى في الإنسان صح منه تكليفه». (قاضي صاعد بریدی، اشرف الدين، الحدود، تحقيق: حسين علي محفوظ، ص ۲۲).

۳۰. «فأما العقل: فهو عبارة عن علوم مخصوصة اذا كملت للإنسان سُمي عقلاً». (مقرئ نيشابوری، قطب الدين، الحدود، ص ۹۱).

۳۱. «العقل: هو البديهة من العلوم التي لا يشرك في علمها العاقلون البهائم، والمتيقظون النوم». (ابن فورک اصفهانی، ابوبکر، الحدود في الأصول، ص ۷۹).

۳۲. «فحدّ العقل ما علم به المخلوق امتناع [وجود] المستحيلات». (محمد بن سابق الصّقلی، ابوبکر، الحدود الکلامية و الفقهيّة على رأي أهل السنة الأشعرية، ص ۱۶۲).

۳۳. «العصمة في الأصل المنع؛ وفي العرف [۱] كل لطف اذا فعله الله تعالى امتنع المكلف من فعل المعصية وترك الواجب. [۲] وقيل: ما يختار عنده ترك القبيح المتمكّن منه، ولولا لما كان يختاره. [۳] وقيل: هو المنع اللطيف من فعل القبيح لا على وجه الخيلولة. [۴] وقيل: اسم لما علم الله تعالى أن المكلف يختار عنده الامتناع من جميع القبائح. [۵] وقيل: هي اللطف الذي يفعله الله تعالى فيختار العبد عنده الامتناع من فعل القبيح. [۶] وقيل: ما لا يقع عنده القبيح وإن لم يرتفع. [۷] وقيل: أن يقطع على باطنه وتعلم أنه بمنع كامن من الظاهر. [۸] وقال المرزقي: «معناها أن لا يختار في المستقبل القبيح لا ظاهراً ولا باطناً، وإن كان قادراً عليه». (اعلام الطرائق، ج ۲، ص ۷).

۳۴. «العصمة: ما يرتفع عنده القبيح ولولا لم يرتفع». (نيشابوری، قطب الدين، الحدود، ص ۱۰۲).

۳۵. «العصمة ما يمتنع المكلف عنده من فعل القبيح. ولولا لما امتنع». (قاضي صاعد بریدی، اشرف الدين، الحدود، تحقيق: حسين علي محفوظ، ص ۲۳).

۳۶. «العصمة: هي الجراسمة من مواقع الذنب». (ابن فورک اصفهانی، ابوبکر، الحدود في الأصول، ص ۱۱۹).

الصِّقْلِيّی در الحدود الکلامیة والفقھیة^{۳۷} فقط به ایراد یک تعریف بسنده کرده‌اند. البته تعاریف ارائه شده از سوی ابن شهر آشوب در مورد تمام اصطلاحات تا این اندازه مبسوط و درازدامن نیست و در موارد بسیاری، او نیز تنها به یک یا دو تعریف برای هر اصطلاح اشاره کرده است؛ لکن مهم این است که در موضعی که تعاریف متعدد و مختلفی از یک اصطلاح وجود داشته است، ظاهراً تلاش وی بر این بوده تا به بیشتر آن تعاریف اشاره کند و همین امر هم یکی از وجوه تمایز اثر او از دیگر اصطلاح نامه‌های هم‌رده و هم‌دوره خودش است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه اعلام الطرائق منبعی است بسیار ارزشمند برای آشنایی با دیدگاه‌ها و آراء ابن شهر آشوب در زمینه پاره‌ای از موضوعات کلامی و به ویژه مسائل طبیعی (مباحث موسوم به لطیف یا دقیق الکلام) مطرح در دانش کلام. هرچند که پرداخت وی به مسائل کلامی و طبیعیاتی در این اثر به نحو استطرادی و فرعی است، با لحاظ اینکه از او اثر مستقلی در خصوص موضوعات یادشده سراغ نداریم، از همین اندک مباحث مطرح شده در این کتاب می‌توان تا اندازه‌ای برخی از زوایای ناپیدای اندیشه‌های طبیعی و کلامی او را بررسید. ابن شهر آشوب در مواردی، پس از اشاره به تعریف یک اصطلاح کلامی به بیان پاره‌ای از مسائل و احکام مربوط به آن پرداخته است. برای نمونه، او ذیل تعریف اصطلاح «فناء» و «اعاده»، بحث کلامی نسبتاً مفصّلی درباره‌ی اعاده اجسام در قیامت ارائه کرده است.^{۳۸} همچنین در موضع دیگری، به اقوال قابل توجهی درباره‌ی کیفیت شهادت دادن اعضا و جوارح انسان در روز قیامت اشاره کرده است.^{۳۹} هم‌پس از اشاره به دیدگاه‌های مختلف در خصوص تعریف اصطلاح «ظنّ»، رأی خود را در این زمینه ابراز کرده است.^{۴۰}

از تعاریف اصطلاحات کلامی و ایستارهایی که گاه ابن شهر آشوب - در خلال بیان تعاریف‌های مختلف - در خصوص مسائل طبیعی یا کلامی ابراز کرده است، می‌توان دریافت که وی از حیث فکرو روش کلامی، احتمالاً پیرو سنت کلامی متکلمان امامی بهشمی بغداد، یعنی مکتب کلامی شریف مرتضی و پیروان او، بوده است. نقل‌های متعدد او از آثار کلامی شریف مرتضی^{۴۱} و شیخ طوسی^{۴۲} و نیز منقولاتی که وی گاه از معتزلیان بهشمی همچون ابوهاشم مجبائی^{۴۳}، قاضی عبدالجبار معتزلی^{۴۴} ابن مکتویه - که ابن شهر آشوب در یکجا از کتاب التذکرة فی احکام الجواهر و الأعراض او نام برده است^{۴۵} - و ابورشید نیشابوری^{۴۶} آورده است، گواهی نیک بر این امر است. اساساً منابع و مآخذی که ابن شهر آشوب در تدوین اعلام الطرائق در بخش تعریف واژگان کلامی و طبیعیاتی از آنها استفاده کرده است، منابع و مصادر معتزلی است. او در این اثر به طور معمول به ذکر مآخذی که از آنها نقل قول می‌کند نپرداخته و تنها اسامی صاحبان اقوال را یادآور می‌شود، ولی با توجه به گفتاوردهای فراوان وی از متکلمان معتزلی، از جمله ابوعلی مجبائی^{۴۷} ابوالقاسم کعبی بلخی^{۴۸}، قاضی

از تعاریف اصطلاحات کلامی و ایستارهایی که گاه ابن شهر آشوب - در خلال بیان تعاریف‌های مختلف - در خصوص مسائل طبیعی یا کلامی ابراز کرده است، می‌توان دریافت که وی از حیث فکر و روش کلامی، احتمالاً پیرو سنت کلامی متکلمان امامی بهشمی بغداد، یعنی مکتب کلامی شریف مرتضی و پیروان او، بوده است.

۳۷. «حَدِّ الْعَصْمَةِ: الْحِرَاسَةُ مِنَ الْمَعَاصِي». (محمّد بن سابق الصِّقْلِيّی، ابوبکر، الحدود الکلامیة والفقھیة علی رأی أهل السنة الأشعریة، ص ۱۴۸).

۳۸. نگرید به: اعلام الطرائق، ج ۱، ص ۲۲۰.

۳۹. نگرید به: همان، ص ۲۲۳.

۴۰. نگرید به: همان، صص ۱۶۰، ۱۵۹.

۴۱. برای نمونه نگرید به: اعلام الطرائق، ج ۱، صص: ۵۲، ۶۱، ۶۷، ۷۹، ۷۸، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۹۳، ۲۲۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۸۹؛ ج ۲، صص: ۸۰، ۷، ۱۱۱، ۱۱۳.

۴۲. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۱۷۶، ۲۰۵، ۲۳۷، ۲۴۷، ۲۸۰، ۲۹۱؛ ج ۲، صص: ۳، ۲۱، ۲۳، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸.

۴۳. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۷۸، ۹۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۲۰، ۲۶۸، ۲۷۹.

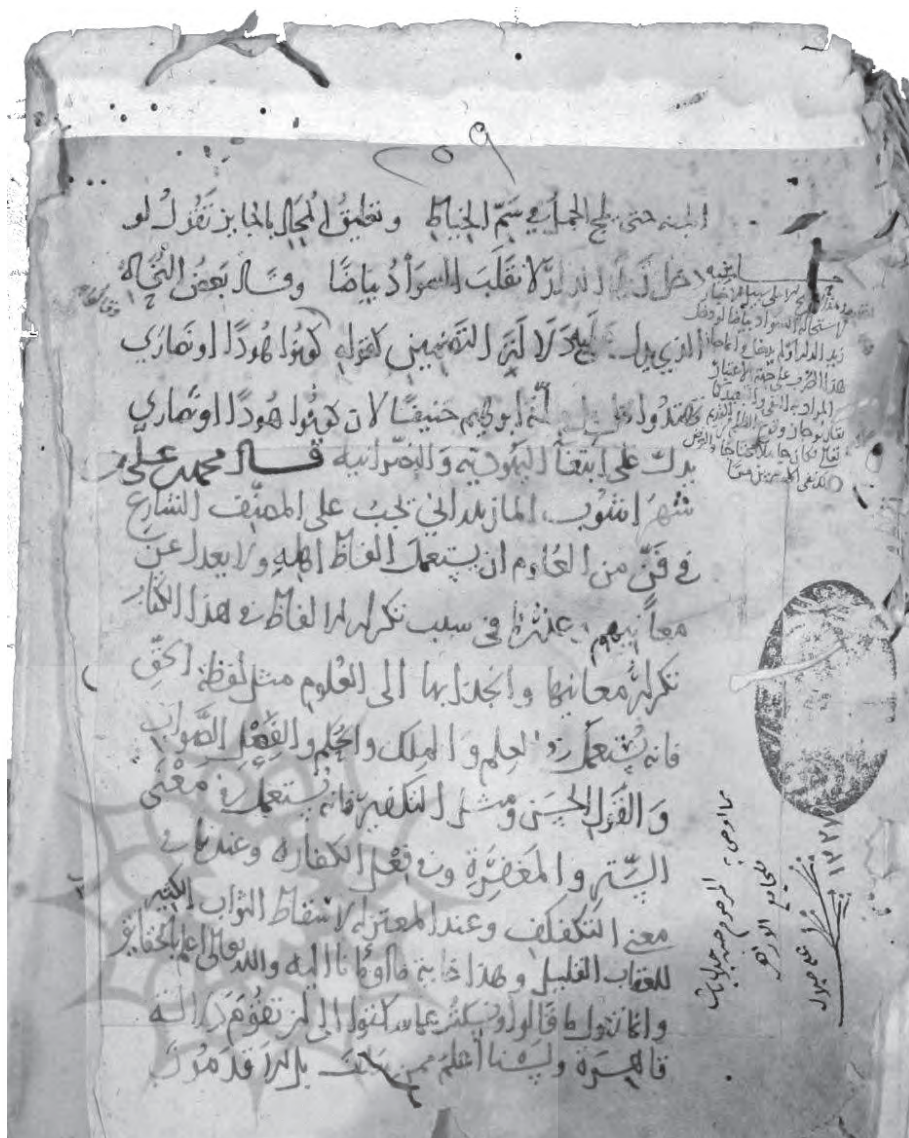
۴۴. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۶۰، ۱۹۷، ۲۴۹؛ ج ۲، ص ۲۱۳.

۴۵. همان، ج ۱، ص ۳۷، نیز نگرید به: همان، ص ۴۸.

۴۶. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۴۸، ص ۷۶؛ ج ۲، ص ۲۱۳.

۴۷. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۴۲، ۴۰، ۴۷، ۵۸، ۶۷، ۱۳۰، ۱۶۵، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۸؛ ج ۲، ص ۲۱۳.

۴۸. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۴۲، ۱۲۶، ۱۵۵، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۵۴.



ابويوسف قزوینى،^{۴۹} ابو عبد الله بصرى،^{۵۰} نظام،^{۵۱} جاحظ،^{۵۲} ابوالهذیل،^{۵۳} ابن اخشيد^{۵۴} و ابوالحسنین بصرى،^{۵۵} مى توان دریافت که اعتماد و اتکای او در فراهم آوردن این اثر تا چه اندازه به آثار معتزله و پیروان ایشان بوده است. در این زمینه به طور خاص باید از ابوالحسن علی بن عیسی ژمانی (م ۳۸۴ ق)، ادیب و متکلم برجسته معتزلى بغدادى، یاد کرد که ابن شهر آشوب در بسیاری از مواضع^{۵۶} در تعریف اصطلاحات طبیعى، کلامى و ادبى، اقوال و ایستارهای او را مطرح و بدان ها استشهاد نموده است.

چنان که گذشت، آبخخوری سرشار که ابن شهر آشوب در تعریف اصطلاحات کلامى به وفور از آن بهره گرفته، آثار متکلمان امامى بهشمى بغدادى است. پیش تر برخی از ارجاعات وی به آثار شریف مرتضى و

۴۹. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۲۴۵، ۹۰.

۵۰. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۷۶.

۵۱. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۵۷.

۵۲. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ج ۲، ص ۳۶.

۵۳. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۵۸.

۵۴. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۱۴۸.

۵۵. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ج ۲، ص ۲۱۳.

۵۶. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۵۷، ۶۰، ۷۶، ۷۹، ۸۶، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۲۴، ۲۲۹.

۲۴۵، ۲۳۹، ۲۸۸؛ ج ۲، صص: ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۵۳، ۱۶۷، ۲۱۱، ۲۱۲.

و راغب اصفهانی^{۶۸} را بازگو کرده است. از نقل‌هایی هم که وی از فیلسوفانی همچون ارسطو^{۶۹}، کندی^{۷۰} و ابن سینا^{۷۱} کرده است - البته در صورتی که حاصل مواجهه مستقیم او با آثار کندی و ابن سینا باشد و نه نقل از منابع واسطه‌ای دیگر - می‌توان فهمید که وی تا حدودی با آثار و اقوال فلاسفه نیز آشنایی داشته است (گرچه حدس راقم این سطور آن است که این موارد که تعاریفی شایع و متداول در آن دوران بوده، منقول و برگرفته از منابع دیگر باشد، نه حاصل رجوع مستقیم او به آثار کندی و ابن سینا). همچنین ارجاعات مکرر او به اقوال ادیبان برجسته از جمله سیبویه، خلیل، ابن دُرید، ابن سِکیت و حمزه اصفهانی^{۷۲} نشان از آگاهی وسیع او از آثار و نظرگاه‌های ادبای زبان عربی دارد.

وجه اهمیت دیگر اعلام الطرائق که نباید از دید تراث پژوهان مخفی بماند، اشتمال آن بر نکات و فواید بسیار کلامی، طبیعی، حدیثی، تفسیری، تاریخی، فقهی و ادبی است. در حقیقت، اعلام الطرائق را نباید صرفاً یک اصطلاح‌نامه دانست؛ بلکه باید آن را دائرةالمعارفی پرنکته و مأخذی غنی از مطالب ناب و کمیاب به حساب آورد. اگرچه قصد اصلی ابن شهر آشوب در این اثر، بیان حدود و تعاریف اصطلاحات بوده است، در خلال مباحث مربوط به تعاریفات، نکات پراکنده سودمندی نیز به‌طور ضمنی و استطرادی در باب موضوعات و مسائل مختلف مطرح کرده است.

وجه اهمیت دیگر اعلام الطرائق که نباید از دید تراث پژوهان مخفی بماند، اشتمال آن بر نکات و فواید بسیار کلامی، طبیعی، حدیثی، تفسیری، تاریخی، فقهی و ادبی است. در حقیقت، اعلام الطرائق را نباید صرفاً یک اصطلاح‌نامه دانست؛ بلکه باید آن را دائرةالمعارفی پرنکته و مأخذی غنی از مطالب ناب و کمیاب به حساب آورد. اگرچه قصد اصلی ابن شهر آشوب در این اثر، بیان حدود و تعاریف اصطلاحات بوده است، در خلال مباحث مربوط به تعاریفات، نکات پراکنده سودمندی نیز به‌طور ضمنی و استطرادی در باب موضوعات و مسائل مختلف مطرح کرده است. برای نمونه، در ضمن بحث از تعریف «نیت»، او به بررسی معنای روایت «نِیَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» پرداخته^{۷۳} و از پاره‌ای مسائل فقهی همچون کیفیت نیت نماز، کیفیت و زمان نیت روزه بحث کرده است.^{۷۴} همچنین در ذیل تعریف اصطلاح «مُحَدَّثٌ» به تفسیر روایت مروی از ائمه - علیهم السلام - یعنی: «إِنَّا مُحَدَّثُونَ» روی آورده و به سه وجه مختلف در تفسیر آن اشاره می‌کند.^{۷۵} نمونه‌ای دیگر آنکه در «باب الحیاة»، قریب به یک صفحه، از علت دیده شدن ستارگان در شب، یا دلیل اینکه شعله آتش از فاصله دور بزرگ‌تر از آنچه در واقع هست دیده می‌شود، یا سبب اینکه اشیاء از پشت شیشه رؤیت می‌شوند، یا علت اینکه شخص مُحْتَضِرٌ قادر به مشاهده ملانکه می‌گردد، بحث کرده است.^{۷۶} روشن است که مباحثی از این دست، ربط چندانی به تعریف اصطلاحات ندارد و بیشتر، بیان احکام طبیعی است. موارد دیگری از این قبیل نیز در کتاب قابل ملاحظه است، مثل مباحثی که او در ضمن تعریف «رنگ‌ها» آورده است؛^{۷۷} یا مطالبی که در مقام توجیه این مسئله بیان کرده است که «چرا وقتی آب در کوزه منجمد می‌گردد موجب شکسته شدن آن می‌شود»^{۷۸} یا اینکه «چرا دود از میان حیوانات، تنها انسان را می‌آزارد؟ یا چرا رنگ پوست گوسفند و اسب بر اثر تغییرات آب و هوایی دگرگون می‌شود؟» یا اینکه «چرا بعضی اجسام در آتش ذوب می‌شوند و بعضی دیگر در آن جامد می‌گردد؟ و چرا آهن در آتش نرم می‌شود؟».^{۷۹} پاره‌ای دیگر از مباحث مهم پراکنده‌ای که وی از آنها سخن به میان آورده است، عبارت است از:

۱. تبیین و توضیح مبسوط اسماء و صفات خداوند، اعم از صفاتی که اطلاق آنها بر خداوند جایز است یا آنهایی که جایز نیست و مباحث دیگر متعلق به آن، که در واقع، این بخش از کتاب، شرح اسماء الله است

۶۸. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، ص ۱۴۵.

۶۹. همان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۷۰. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۵۲، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۶۰، ۱۸۸، ۲۵۲، ۲۵۸.

۷۱. برای نمونه نگرید به: همان، ج ۱، صص: ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۱۲۷.

۷۲. همان، ج ۱، ص ۳۰.

۷۳. همان، ج ۱، ص ۱۶۶.

۷۴. همان، ج ۱، ص ۱۶۷.

۷۵. همان، ج ۲، ص ۲۰۳.

۷۶. همان، ج ۱، ص ۱۸۰.

۷۷. همان، ج ۱، صص ۲۰۷، ۲۰۴.

۷۸. همان، ج ۱، ص ۲۱۳.

۷۹. نگر: همان، ج ۱، صص ۲۱۷، ۲۱۵.

به نحو موجز و در نوع خود کم نظیر.^{۸۰}

۲. تعریف و توضیح تعداد زیادی از القاب و اسامی ملائکه، انبیاء و ائمه - علیهم السلام -،^{۸۱} و همچنین شمار فراوانی از مهم ترین شخصیت های تاریخی مثل: اعثم کوفی، ثابت قطنه، مالک اشتر، عمرو بن حوق، حسان، نجاشی، ابودلف، ابونواس، سیبویه، ابوعلی جبائی، شاهفور (شاهپور/ شاپور) ذوالاکناف، عامر الشیبی، الکسائی، صعصعة بن صوحان و ...^{۸۲}

۳. تعریف قبایل مختلف و توضیح درباره معنا و وجه تسمیه اسامی آنها.^{۸۳}

۴. توضیح درباره اسامی ادیان، فرق و مذاهب مختلف.^{۸۴}

۵. توضیح القاب و وجه تسمیه برخی از شعرا مشهور عرب.^{۸۵}

آنچه تقدیم شد نکاتی چند درباره وجوه اهمیت کتاب شریف اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق ابن شهر آشوب بود که اجمالاً و عجله به محضر خوانندگان عرضه گردید. امیدوارم در آینده پژوهش های مفصل تر و دقیق تری در باب این کتاب ارزشمند صورت گیرد و زوایای مختلف آن را با بسطی درخور بکاود.

در ختام این کلام، ذکر این نکته لازم است که طبع حاضر از اعلام الطرائق با وجود کوشش های شایان تقدیر مصحح آن، کاستی هایی نیز دارد که همین امر ضرورت ارائه ویراست کامل تری از این اثر را گوشزد می کند. در واقع با توجه به اینکه مصحح ارجمند تا پیش از هنگام انتشار این اثر به صفحات نخستین نسخه قاهره از این کتاب دست نیافته بود و تصویر نسخه مورد استفاده او در آن زمان متأسفانه فاقد چند صفحه نخستین اثر بوده است و همچنین با عنایت به راهیابی پاره ای از اغلاط مطبعی و غیر مطبعی در ویراست حاضر، این کتاب نیازمند تحقیق و تنقیحی مجدد و بازنشری کامل تر و دقیق تر است. ویراستی تازه که در آن، هم مطالب موجود در آغازین بخش کتاب بر اساس نسخه قاهره منتشر شود و هم نمایه های لازم برای کتاب - که بدون آنها حقیقتاً استفاده از این اثر و جستجوی اصطلاحات مورد نظر در آن به غایت دشوار و گاه متعذر است - تدارک دیده شود. مساعی دانشور ارجمند جناب آقای سید علی طباطبایی یزدی در تصحیح عالمانه و احیای این اثر قیم مشکور باد. امیدوارم که مصحح فاضل این اثر بار دیگر همت نماید و از اعلام الطرائق، این میراث ارزشمند و یادگار ماندگار ابن شهر آشوب، تصحیحی شایسته تر عرضه دارد.

۸۰. نگر: همان، ج ۱، صص ۲۸۲-۲۶۳.

۸۱. نگر: همان، ج ۲، صص ۳۲-۲۴.

۸۲. نگر: همان، ج ۲، صص ۷۷-۵۵.

۸۳. نگر: همان، ج ۲، صص ۸۵-۷۷.

۸۴. نگر: همان، ج ۲، صص ۴۹-۴۱.

۸۵. نگر: همان، ج ۲، صص ۹۹-۸۵.